

به نام یزدان پاک

همه سوال های

دکترای تخصصی (Ph.D)

جغرافیا و برنامه ریزی شهری

۱۴۰۴-۱۴۰۵

گردآورندگان

گروه مولفین پردازش

فهرست مطالب

پیش گفتار	۷
آزمون دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و آمایش سرزمین ۱۴۰۴	
روش تحقیق در جغرافیا.....	۹
پاسخ‌نامه روش تحقیق در جغرافیا.....	۱۱
جغرافیا شهری (مبانی و ایران).....	۲۲
پاسخ‌نامه جغرافیا شهری (مبانی و ایران).....	۲۴
نظریه‌ها و دیدگاه‌های توسعه شهری.....	۳۵
پاسخ‌نامه نظریه‌ها و دیدگاه‌های توسعه شهری.....	۳۷
تکنیک‌ها و مدل‌های برنامه‌ریزی شهری.....	۵۲
پاسخ‌نامه تکنیک‌ها و مدل‌های برنامه‌ریزی شهری.....	۵۴
آزمون دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و آمایش سرزمین ۱۴۰۵	
روش تحقیق در جغرافیا.....	۶۶
پاسخ‌نامه روش تحقیق در جغرافیا.....	۶۸
جغرافیا شهری (مبانی و ایران).....	۷۸
پاسخ‌نامه جغرافیا شهری (مبانی و ایران).....	۸۰
نظریه‌ها و دیدگاه‌های توسعه شهری.....	۹۲
پاسخ‌نامه نظریه‌ها و دیدگاه‌های توسعه شهری.....	۹۴
تکنیک‌ها و مدل‌های برنامه‌ریزی شهری.....	۱۰۹
پاسخ‌نامه تکنیک‌ها و مدل‌های برنامه‌ریزی شهری.....	۱۱۱
واژه نامه.....	۱۲۷
منابع.....	۱۳۵

پیش‌گفتار

ورود به مقطع دکتری تخصصی، نقطه‌عطفی در مسیر بلوغ علمی و پژوهشی هر دانشجو به شمار می‌رود. در عرصه علوم جغرافیایی، رشته «جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و آمایش سرزمین»، به دلیل پیوند عمیق میان ابعاد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی فضاهای زیستی، نیازمند پژوهشگرانی است که از دانشی جامع، تحلیلی و چندبعدی برخوردار باشند. موفقیت در آزمون ورودی این مقطع، نه تنها مستلزم تسلط بر مبانی نظری است، بلکه نیازمند درک عمیق مفاهیم، قدرت تحلیل و آشنایی با ظرایف تست‌زنی در سطح عالی است. در مسیر پرفراز و نشیب آمادگی برای این آزمون، فقدان و خلأ یک منبع جامع که فراتر از ارائه کلید سؤالات، به تحلیل و کالبدشکافی علمی آن‌ها بپردازد، همواره از دغدغه‌های اصلی داوطلبان بوده است. کتاب حاضر، با درک این نیاز بنیادین و با هدف ارائه یک نقشه راه مطمئن و استاندارد، تدوین و پیشکش جامعه علمی کشور شده است.

محتویات و ساختار مجموعه این مجموعه ارزشمند، دربرگیرنده تمامی سؤالات آزمون دکتری تخصصی رشته «جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و آمایش سرزمین» در سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ است. محتوای کتاب بر اساس سرفصل‌های مصوب و کلیدی این رشته به چهار بخش اصلی تفکیک شده است: ۱. روش تحقیق در جغرافیا ۲. جغرافیای شهری مبانی و ایران ۳. نظریه‌ها و دیدگاه‌های توسعه شهری ۴. تکنیک‌ها و مدل‌های برنامه‌ریزی شهری

روش‌شناسی و وجه تمایز اثر آنچه این اثر را از سایر منابع مشابه متمایز می‌سازد، تمرکز ویژه بر «پاسخ‌نامه‌های کاملاً تشریحی و تحلیلی» است. روش کار در تهیه این مجموعه صرفاً به معرفی گزینه صحیح محدود نشده است؛ بلکه هر پرسش به عنوان یک مسئله علمی مستقل در نظر گرفته شده و با رویکردی موşkافانه مورد بررسی قرار گرفته است. ساختار پاسخ‌ها در این کتاب بر سه پایه استوار است:

- **پاسخ تشریحی:** تبیین دقیق و علمی دلیل درستی گزینه مورد نظر، با ارجاع به ریشه‌های مفهومی و نظری آن.
- **بررسی سایر گزینه‌ها:** کالبدشکافی علمی سایر گزینه‌ها و روشن ساختن تله‌های تستی و مفهومی که طراحان سؤال برای سنجش دقت داوطلبان تعبیه کرده‌اند.
- **نکات تکمیلی:** ارائه دانش پیرامونی و مرتبط با موضوع سؤال، که دیدگاهی جامع‌تر به داوطلب بخشیده و او را برای مواجهه با سؤالات مشابه در آزمون‌های آتی آماده می‌سازد.

در تهیه این پاسخ‌ها، تعهد به استانداردهای علمی در بالاترین سطح ممکن رعایت شده و از معتبرترین منابع رسمی، کتب مرجع، و نظریات استاندارد جهانی بهره‌گیری شده است. همچنین، به منظور غنای بیشتر و تسهیل فرآیند یادگیری، در انتهای کتاب واژه‌نامه‌ای جامع از اصطلاحات تخصصی و معادل‌های استاندارد جهانی آن‌ها به همراه توضیحات کامل تدوین شده است تا داوطلبان را از مراجعه به منابع پراکنده بی‌نیاز سازد.

مخاطبان کتاب

این مجموعه، نه تنها یک منبع بی‌بدیل برای داوطلبان آزمون دکتری تخصصی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری محسوب می‌شود، بلکه به دلیل غنای تحلیلی پاسخ‌نامه‌ها، می‌تواند به عنوان یک منبع کمک‌آموزشی و مرور سریع برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی، پژوهشگران مطالعات شهری و اساتید این حوزه نیز مورد استفاده قرار گیرد.

امید است این تلاش علمی، مسیر دستیابی به قله‌های موفقیت را برای پویندگان عرصه علم و دانش هموارتر ساخته و گامی کوچک اما مؤثر در اعتلای دانش جغرافیای شهری و برنامه‌ریزی فضایی در کشور عزیزمان بردارد.
با آرزوی توفیق و سربلندی





۱۶. برای نخستین بار، طبقه‌بندی شهرهای ایران بر مبنای کار و نقش آنها، توسط چه کسی و با استفاده از چه مدلی ارزیابی و اعلام شد؟
- (۱) یدالله فرید - چانسی هریس
 - (۲) یدالله فرید - بوژوگاریه و ژرژ شابو
 - (۳) حسین شکوئی - بوژوگاریه و ژرژ شابو
 - (۴) حسین شکوئی - الکساندر سن و پیر ژرژ
۱۷. به طور کلی، ویژگی‌های اساسی نظام شهری در ایران کدام‌اند؟
- (۱) افزایش تعداد شهرهای بزرگ و مادرشهرها - کاهش تعداد شهرهای کوچک - تناسب نسبی نسبت شهرنشینی در شهرهای کوچک و متوسط در سال‌های گذشته
 - (۲) افزایش تعداد شهرهای بزرگ و مادرشهرها - کاهش تعداد شهرهای کوچک - عدم تناسب نسبی نسبت شهرنشینی در شهرهای کوچک و متوسط در سال‌های گذشته
 - (۳) کاهش تعداد شهرهای بزرگ و مادرشهرها - افزایش تعداد شهرهای کوچک - عدم تناسب نسبی نسبت شهرنشینی در شهرهای کوچک و متوسط در سال‌های گذشته
 - (۴) افزایش تعداد شهرهای بزرگ و متوسط - افزایش تعداد شهرهای میانی - عدم تناسب نسبی نسبت شهرنشینی در شهرهای کوچک و بزرگ در سال‌های گذشته
۱۸. در مقابل طرح‌های جامع سنتی، امروزه چه طرح‌هایی ارائه و جایگزین شده است؟
- (۱) تفصیلی (۲) ساماندهی (۳) آمایش سرزمین (۴) ساختاری - راهبردی
۱۹. تقسیم جهان شهرها به دو گروه مرکزی و شبه‌پیرامونی، از چه کسی است؟
- (۱) آندره گوندرفرانک (۲) ساسکیا ساسن (۳) جان فریدمن (۴) سمیر امین
۲۰. پایگاه قومی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی، به ترتیب، چه شکلی به شهر می‌دهند؟
- (۱) موزاییکی - قطاعی (۲) خوشه‌ای - قطاعی (۳) قطاعی - دایره‌ای (۴) خطی - قطاعی
۲۱. مهم‌ترین مؤلفه در برنامه‌ریزی کاربری زمین شهری، کدام مورد است؟
- (۱) جمعیت (۲) فضا (۳) اقتصاد (۴) نوع کاربری زمین
۲۲. قدیمی‌ترین گتوها در تاریخ بشر، براساس چه عاملی شکل گرفته‌اند؟
- (۱) نژادی (۲) فقر (۳) زبانی (۴) مذهبی
۲۳. کدام موارد، هم‌معنی واژه «مصر» در دوران رونق شهرنشینی در عصر اسلامی هستند؟
- (۱) ام‌القری - متروپلیس - مادرشهر (۲) ولایت - کوره - ام‌القری (۳) امصار - ولایت - شارستان (۴) متروپلیس - قصبه - ولایت
۲۴. براساس نظریه گدس، در کدام مرحله تکامل شهری، شهر در ناحیه معینی نسبت به شهرهای دیگر پیشی گرفته و با تضاد جامعه شهری و برخوردهای طبقاتی روبه‌رو می‌شود؟
- (۱) کلاتشهری (۲) تباه‌شهری (۳) مادرشهری (۴) مرده‌شهری
۲۵. جداسازی کارکردی وسایل نقلیه از پیاده، مبنای کدام نظریه توسعه شهری است؟
- (۱) هوسمان (۲) هاوارد (۳) لوکوربوزیه (۴) گارنیه
۲۶. مفهوم شهرگرایی در قالب مفهوم «شیوه زندگی»، ابتدا توسط چه کسی وارد ادبیات جغرافیایی شد؟
- (۱) لوئیز ویرث (۲) لوئیز مامفورد (۳) پاتریک گدس (۴) ویدال دو لابلانش
۲۷. کدام جغرافیدان در تحلیل جغرافیایی شهرها، بر توجه به پیوند شهر با شرایط محیطی بیشتر تأکید دارد؟
- (۱) ژرژ کهل (۲) آلفرد هتتر (۳) والتر ایزارد (۴) دیوید هاروی

۲۸. کدام مورد، ویژگی محله جوباره یا جویباره اصفهان است؟
- | | |
|----------------|-------------------|
| (۱) محله جدید | (۲) بافت سنتی |
| (۳) گتوی مذهبی | (۴) محله بیوفیلیک |
۲۹. مجموعه تخت جمشید، نمونه والایی از کدام سبک‌های ایرانی قبل از اسلام است؟
- | | |
|------------|------------------|
| (۱) پارسی | (۲) پارتنی |
| (۳) عیلامی | (۴) پارسی - هلنی |
۳۰. دو عامل تأثیرگذاری که در دوره‌های اولیه شهرنشینی در توسعه شهری مؤثر بودند، کدام موارد هستند؟
- | | |
|--------------------------|-----------------------------|
| (۱) مذهب - علم | (۲) مذهب - فرهنگ |
| (۳) ساخت اجتماعی - فرهنگ | (۴) ساخت اجتماعی - تکنولوژی |

موضوع سوال: موضوع اصلی این پرسش، ریشه‌یابی و تاریخچه مطالعات «طبقه‌بندی کارکردی و نقش شهرها» در جغرافیای شهری ایران است. هدف طراح سؤال، سنجش میزان تسلط داوطلب بر آثار بنیادین پیشگامان جغرافیای نوین ایران و آگاهی از الگوهای نظری اقتباس شده توسط آنان برای بومی‌سازی مفاهیم جغرافیای شهری است.

پاسخ تشریحی:

شادروان دکتر حسین شکوئی، از بنیان‌گذاران و استوانه‌های جغرافیای شهری نوین در ایران، برای نخستین بار گام در مسیر طبقه‌بندی علمی شهرهای ایران بر پایه کارکرد و نقش اقتصادی آن‌ها نهاد. وی برای انجام این مهم، از دستاوردها و مدل‌های دو جغرافیدان برجسته جهانی بهره گرفت: نخست، گونار الکساندرسن (Gunnar Alexandersson)، جغرافیدان سوئدی که مدل طبقه‌بندی شهرها را بر اساس ساختار صنعتی و ترکیب اشتغال پایه و غیرپایه در شهرهای آمریکا ارائه داده بود؛ و دوم، پیر ژرژ (Pierre George)، جغرافیدان پرآوازه فرانسوی که در مطالعات خود به نقش‌های چندگانه، تخصصی و پویایی اقتصاد شهری در بستر ناحیه تأکید داشت. ترکیب رویکرد آماری الکساندرسن با نگاه فضایی-اقتصادی پیر ژرژ، به دکتر شکوئی این امکان را داد تا نخستین ارزیابی روشمند از نقش شهرهای ایران (اعم از تجاری، صنعتی، خدماتی و زیارتگاهی) را پایه‌گذاری و ارائه نماید.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- **گزینه ۱ و ۲:** دکتر یدالله فرید نیز از اساتید بسیار نامدار و تأثیرگذار در حوزه جغرافیای شهری و روستایی ایران است، اما اقدام خط‌شکنانه در زمینه طبقه‌بندی عملکردی شهرهای ایران با استناد به مدل‌های یادشده، در آثار بنیادین ایشان به‌عنوان «نخستین بار» ثبت نشده است. از سوی دیگر، چانسی هریس (Chauncy Harris) اگرچه با ارائه مدل طبقه‌بندی شهرهای آمریکا و نظریه «چند هسته‌ای» شهرت جهانی دارد، اما مدل او دستمایه اصلی نخستین طبقه‌بندی کارکردی شهرهای ایران نبوده است.
- **گزینه ۳:** ژاکلین بوژو گارنیه و ژرژ شابو، دو تن از بزرگان مکتب جغرافیای فرانسه هستند که تألیف مشترک آن‌ها (کتاب جغرافیای شهری) از منابع کلاسیک این رشته است. دکتر شکوئی در آثار خود به آرای این دانشمندان ارجاع داده است، اما چارچوب و مدل اختصاصی طبقه‌بندی کارکردی شهرها در ایران را مشخصاً بر پایه متدولوژی بوژو گارنیه و شابو استوار نساخت.

نکات تکمیلی:

شناخت کارکرد شهرها (Urban Functional Classification) یکی از ارکان اساسی در آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی شهری است. نقش شهر در واقع بازتابی از «فعالیت‌های پایه» (Basic Activities) آن است؛ یعنی فعالیت‌هایی که کالاها و خدمات را به خارج از مرزهای شهر صادر کرده و باعث تزریق سرمایه به اقتصاد محلی می‌شوند. امروزه با پیچیده‌تر شدن اقتصاد شهری، مدل‌های تک‌متغیره مبتنی بر درصد اشتغال جای خود را به مدل‌های چندمتغیره نظیر «تحلیل عاملی» (Factor Analysis) و «تحلیل خوشه‌ای» (Cluster Analysis) داده‌اند، اما درک این سیر تطور برای هر پژوهشگر جغرافیا امری اجتناب‌ناپذیر است.

موضوع سوال: موضوع این سؤال بررسی ویژگی‌های ساختاری و دینامیک شبکه شهری در ایران معاصر است. هدف طراح، ارزیابی درک داوطلب از الگوهای توزیع جمعیت شهری، سلسله‌مراتب اسکان و ریشه‌یابی عدم تعادل فضایی در نظام شهری کشور می‌باشد.

پاسخ تشریحی:

نظام شهری ایران در دهه‌های اخیر تحت تأثیر پدیده «شهرنشینی شتابان» و توسعه متمرکز (Centralization) شکل گرفته است. این ساختار ناموزون دارای سه ویژگی بارز مندرج در گزینه صحیح است:

نخست، **افزایش تعداد شهرهای بزرگ و مادرشهرها (Metropolises):** تمرکز سرمایه، امکانات رفاهی، خدمات و فرصت‌های شغلی در چند کانون محدود باعث جذب شدید مهاجران و تورم جمعیتی و کالبدی این شهرها شده است.

دوم، **کاهش تعداد و نقش شهرهای کوچک:** بسیاری از شهرهای کوچک به دلیل ضعف پایه‌های اقتصادی و عدم توانایی در رقابت با کلان‌شهرها، به نقاط مهاجرفرست تبدیل شده و کارکردهای شهری خود را از دست داده‌اند.

سوم، **عدم تناسب نسبی شهرنشینی در شهرهای کوچک و متوسط:** نظام شهری ایران دچار پدیده «نخست‌شهری» (Primacy) و قطبی‌شدن فضایی است. در یک شبکه شهری سالم و متعادل (مانند الگوی قاعده رتبه-اندازه)، شهرهای میانی و



متوسط نقش حلقه‌های واسط و تعادل‌بخش را ایفا می‌کنند، اما در ایران این الگو دچار گسست بوده و توزیع جمعیت میان شهرهای بزرگ با شهرهای کوچک و متوسط کاملاً ناموزون و فاقد تناسب منطقی است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- **گزینه ۱:** عبارت «تناسب نسبی» در این گزینه کاملاً در تضاد با واقعیت‌های نظام شهری ایران است. سیستم شهری ایران به دلیل رشد قارچ‌گونه و برنامه‌ریزی نشده مادرشهرها، یکی از نامتعادل‌ترین الگوهای توزیع فضایی را به نمایش می‌گذارد.
- **گزینه ۳:** عبارت «کاهش تعداد شهرهای بزرگ و مادرشهرها» یک خطای فاحش علمی و آماری است. روند توسعه شهری در ایران دقیقاً برعکس بوده و مادرشهرها به شکل فزاینده‌ای در حال بلعیدن فضا، منابع و جمعیت هستند.
- **گزینه ۴:** در شبکه‌ی شهری ایران، ما شاهد رشد متناسب و هماهنگ شهرهای متوسط و میانی نیستیم. توسعه در ایران عموماً قطبی است و شهرهای میانی نتوانسته‌اند به‌عنوان وزنه‌های تعادل‌بخش در برابر مادرشهرها عمل کنند.

نکات تکمیلی:

عدم تعادل در شبکه شهری ایران، منجر به بروز پدیده «ماکروسفالی شهری» (بزرگ‌سری) شده است؛ عارضه‌ای که در آن سر (کلان‌شهرها، به‌ویژه تهران) به شدت متورم شده، اما بدنه (شهرهای متوسط و کوچک) نحیف و فاقد پویایی اقتصادی باقی مانده است. برای رفع این چالش ساختاری، متخصصان آمایش سرزمین بر استراتژی توسعه شهرهای میانی (Intermediate Cities) و تقویت پیوندهای شبکه‌ای روستایی-شهری تأکید دارند تا از طریق ایجاد ساختار چندمرکزی (Polycentric)، از سرریز جمعیتی و فروپاشی اکولوژیک کلان‌شهرها جلوگیری شود.

۱۸. گزینه ۴)

موضوع سوال: این پرسش به یکی از مهم‌ترین تحولات پارادایمی در حوزه برنامه‌ریزی شهری می‌پردازد: گذار از رویکردهای صلب، کالبدی و بالا به پایین در برنامه‌ریزی به سمت رویکردهای منعطف، پویا و مشارکتی. هدف، ارزیابی شناخت داوطلب از ناکارآمدی‌های طرح‌های جامع سنتی (Master Plans) و جایگزین‌های نوین آن‌ها در ادبیات جهانی و ملی شهرسازی است.

پاسخ تشریحی:

طرح‌های جامع سنتی که ریشه در رویکردهای خردگرایانه و اثبات‌گرایانه اواسط قرن بیستم داشتند، عموماً طرح‌هایی ایستا، فیزیکی (کالبدگرا)، فاقد انعطاف‌پذیری لازم و زمان‌بر بودند. با بروز تحولات سریع و پیچیده در جوامع شهری، این طرح‌ها توانایی پاسخگویی به نیازهای متغیر شهرها را از دست دادند. در واکنش به این ناکارآمدی، «طرح‌های ساختاری - راهبردی» (Structural - Strategic Plans) پا به عرصه ظهور گذاشتند.

این الگو، به‌جای تعیین کاربری دقیق برای وجب‌به‌وجب زمین شهری در یک افق طولانی‌مدت، بر تعیین «ساختار» کلی و جهت‌گیری‌های کلان توسعه شهر تمرکز می‌کند. در بخش «راهبردی»، این طرح‌ها با تکیه بر مشارکت ذی‌نفعان، تحلیل سوات (SWOT)، و توجه به ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، چارچوبی منعطف، چشم‌اندازمحور و اقدام‌گرا برای هدایت توسعه و حل مشکلات شهری ارائه می‌دهند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- **گزینه ۱ (تفصیلی):** طرح تفصیلی نه یک جایگزین، بلکه حلقه مکمل و پایین‌دست طرح جامع سنتی است. در نظام سنتی برنامه‌ریزی، ابتدا طرح جامع تهیه شده و سپس بر اساس آن، طرح تفصیلی برای تعیین دقیق پلاک‌ها، کاربری‌ها و تراکم‌ها در مقیاس خردتر تدوین می‌گردد. بنابراین، طرح تفصیلی متعلق به همان پارادایم سنتی است.
- **گزینه ۲ (ساماندهی):** طرح‌های ساماندهی معمولاً طرح‌های موضعی یا موضوعی هستند که برای مداخله در یک بافت خاص (مانند ساماندهی حاشیه‌نشینی، بافت فرسوده یا یک مسیر) تهیه می‌شوند. این رویکرد یک ابزار مداخله محدود است، نه یک الگوی کلان و جایگزین برای نظام برنامه‌ریزی شهر.
- **گزینه ۳ (آمایش سرزمین):** آمایش سرزمین (Spatial Planning) برنامه‌ریزی فضایی در مقیاس‌های کلان (ملی و منطقه‌ای/استانی) با هدف توزیع بهینه جمعیت و فعالیت در پهنه سرزمین است. اگرچه رویکرد آمایشی بسیار مهم است، اما جایگزین طرح جامع شهری محسوب نمی‌شود، بلکه بالادست آن قرار دارد.



نکات تکمیلی:

در امتداد تکامل طرح‌های ساختاری-راهبردی، امروزه مفاهیمی نظیر «راهبرد توسعه شهر» (CDS - City Development Strategy) که توسط نهادهایی چون بانک جهانی ترویج شده‌اند، به ابزاری کلیدی برای برنامه‌ریزی شهری تبدیل شده‌اند. این استراتژی‌ها بر مفاهیمی چون حکمرانی خوب شهری (Good Urban Governance)، رقابت‌پذیری، بانکی‌شدن (Bankability) پروژه‌های شهری و کاهش فقر تمرکز دارند و به جای تمرکز صرف بر نقشه و کالبد، بر ایجاد اجماع میان بازیگران مختلف شهر و مدیریت منابع برای دستیابی به چشم‌انداز مشترک تأکید می‌ورزند.

۱۹. گزینه ۳)

موضوع سوال: موضوع اصلی این پرسش، نظریه‌های مرتبط با نظام جهانی و تأثیر اقتصاد سیاسی بین‌الملل بر سلسله‌مراتب فضایی شهرها است. هدف طراح سؤال، سنجش تسلط داوطلب بر نظریه‌های بنیادین جغرافیا در زمینه پیوند فرآیند شهرنشینی با نظام سرمایه‌داری جهانی و تفکیک آرای صاحب‌نظران کلیدی در این حوزه است.

پاسخ تشریحی:

مفهوم «جهان‌شهر» (World City) و دسته‌بندی آن‌ها بر اساس موقعیت در اقتصاد جهانی، مشخصاً توسط جان فریدمن (John Friedmann) در سال ۱۹۸۶ در قالب «فرضیه جهان‌شهر» (The World City Hypothesis) صورت‌بندی شد. فریدمن با الهام از نظریه نظام جهانی امانوئل والرشتاین، استدلال کرد که پیوندهای شهرها با اقتصاد جهانی، ساختار فضایی و اجتماعی آن‌ها را تعیین می‌کند. وی جهان‌شهرها را بر اساس میزان ادغامشان در اقتصاد جهانی و قرارگیری در کشورهای شمال یا جنوب، به دو گروه اصلی تقسیم کرد:

نخست، **جهان‌شهرهای مرکزی (Core)** که خود به دو دسته اولیه (مانند لندن، نیویورک، توکیو) و ثانویه (مانند بروکسل، میلان، وین) در کشورهای توسعه‌یافته تقسیم می‌شوند.

دوم، **جهان‌شهرهای شبه‌پیرامونی (Semi-peripheral)** که آن‌ها نیز به اولیه (مانند سائوپائولو، سنگاپور) و ثانویه (مانند بانکوک، مانیل، مکزیکوسیتی) در کشورهای در حال توسعه تفکیک می‌گردند. نقش اساسی این شهرها، ایفای وظیفه به‌عنوان نقاط اتصال سرمایه جهانی با اقتصادهای ملی و منطقه‌ای است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- **گزینه ۱ (آندره گوندر فرانک):** فرانک از نظریه‌پردازان برجسته مکتب وابستگی (Dependency Theory) است و مفهوم مرکز-پیرامون را در سطح «کشورها» و توسعه‌نیافتگی کشورهای جهان سوم مطرح کرد، اما این مفهوم را به‌صورت اختصاصی برای طبقه‌بندی سلسله‌مراتب «جهان‌شهرها» بسط نداد.
- **گزینه ۲ (ساسکیا ساسن):** ساسن واضع مفهوم «شهر جهانی» (Global City) در سال ۱۹۹۱ است. تمرکز او بر شهرهای نیویورک، لندن و توکیو به‌عنوان مراکز فرماندهی اقتصاد جهانی و تمرکز خدمات پیشرفته تولیدی (مالی، حقوقی، حسابداری) است. او طبقه‌بندی مرکزی و شبه‌پیرامونی مد نظر فریدمن را ارائه نکرد، بلکه بر نقش‌های عملکردی و تخصصی کانون‌های مسلط اقتصاد جهانی تمرکز داشت.
- **گزینه ۴ (سمیر امین):** وی نیز همانند فرانک، اقتصاددان و متفکر مارکسیست و از واضعان نظریه‌های وابستگی و توسعه ناموزون (با تأکید بر مفهوم اروپامحوری و مبادله نابرابر) است و نظریه مشخصی در خصوص طبقه‌بندی سلسله‌مراتبی شبکه جهان‌شهرها ندارد.

۲۰. گزینه ۲)

موضوع سوال: این پرسش به مبحث «بوم‌شناسی اجتماعی شهر» (Social Area Analysis) و «بوم‌شناسی عاملی» (Factor Ecology) در جغرافیای شهری اختصاص دارد. هدف طراح، ارزیابی میزان آگاهی داوطلب از مدل ترکیبی رابرت موردی (Robert Murdie) و نحوه توزیع فضایی متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و قومی در ساختار کالبدی شهرها است.

پاسخ تشریحی:

بر اساس نظریات بوم‌شناسی شهری شوکی و بل و متعاقباً مدل ترکیبی رابرت موردی (۱۹۶۹)، ساختار فضایی شهرها برآیندی از توزیع سه بعد یا متغیر اصلی است که هر یک الگوی کالبدی خاصی را در فضا ایجاد می‌کنند:



نخست، پایگاه قومی و نژادی (Ethnic Status): گروه‌های قومی، نژادی یا اقلیت‌های زبانی و مذهبی، عموماً تمایل به تجمع در کنار یکدیگر در درون ساختار شهر دارند که منجر به شکل‌گیری محلات مجزا و گتوها می‌شود. این پایگاه، الگوی خوشه‌ای (Clustered) یا چندهسته‌ای به ساختار شهر می‌بخشد (که برگرفته از نظریه چند هسته‌ای هریس و اولمن است). دوم، پایگاه اقتصادی - اجتماعی (Socio-economic Status): توزیع فضایی طبقات مختلف درآمدی و شغلی در سطح شهر عمدتاً از الگوی قطاعی (Sectoral) پیروی می‌کند. به این معنا که گروه‌های هم‌تراز اقتصادی، در امتداد محورهای ارتباطی و شعاعی از مرکز به سمت پیرامون مستقر می‌شوند (برگرفته از نظریه قطاعی هومر هویت). بنابراین، توالی پایگاه قومی و سپس اقتصادی-اجتماعی، دقیقاً معادل ساختار «خوشه‌ای - قطاعی» در کالبد شهر است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱ (موزاییکی قطاعی): اگرچه در برخی متون توصیفی، اصطلاح «موزاییکی» برای نشان دادن تنوع محلات در شهرها استفاده می‌شود، اما در مدل بوم‌شناسی عاملی و تست‌های استاندارد، اصطلاح «خوشه» یا تجمع فضایی (Clustering) معادل دقیق‌تری برای پایگاه قومی محسوب می‌گردد و ترکیب گزینه‌های این‌چنینی برای گمراه کردن داوطلب طراحی شده‌اند.
- گزینه ۳ (قطاعی - دایره‌ای): این گزینه نه تنها ترتیب را رعایت نکرده، بلکه شامل الگوی دایره‌ای است. در بوم‌شناسی شهری، متغیر سوم یعنی پایگاه خانوادگی (Family Status) یا مرحله چرخه زندگی خانوارها) است که به شکل «دایره‌ای» (Concentric) توزیع می‌شود، نه پایگاه قومی یا اقتصادی.
- گزینه ۴ (خطی - قطاعی): الگوی خطی ارتباطی با متغیرهای بوم‌شناختی مکتب شیکاگو ندارد. توسعه خطی بیشتر ناظر بر رویکردهای برنامه‌ریزی شهری (مانند شهر خطی آرتورو سوریا ای ماتا) یا توسعه‌های اجباری در امتداد یک دره یا خط ساحلی است.

نکات تکمیلی:

مدل موردی نشان داد که ساختار شهری پدیده‌ای تک‌بعدی نیست، بلکه یک فضای شهری واحد می‌تواند به‌طور هم‌زمان بستر تجلی سه الگوی کلاسیک باشد: الگوی دایره‌ای (گسترش خانوارها از مرکز به حومه)، الگوی قطاعی (تفکیک طبقات درآمدی) و الگوی خوشه‌ای (جدایی‌گزینی قومی-نژادی). شناخت این همپوشانی‌های فضایی به برنامه‌ریزان شهری کمک می‌کند تا در سیاست‌گذاری‌های مسکن، کاهش فقر فضایی و توزیع عادلانه خدمات عمومی در شهرهای چندفرهنگی، با دقتی بسیار بالاتر عمل کنند.

۲۱. گزینه ۱)

موضوع سوال: موضوع محوری این پرسش، درک نقطه عزیمت و سنگ‌بنای محاسبات در دانش «برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری» است. هدف طراح، سنجش توانایی داوطلب در تمایز قائل شدن میان متغیر مستقل (محرک اصلی) و متغیرهای وابسته (بسترها و پیامدها) در فرآیند تخصیص فضایی شهر است.

پاسخ تشریحی:

در برنامه‌ریزی شهری، شهر به‌عنوان یک سیستم انسان‌ساخت برای زیست انسان‌ها تعریف می‌شود. از این رو، جمعیت (Population) مهم‌ترین، کلیدی‌ترین و نخستین مؤلفه در برنامه‌ریزی کاربری زمین است. تمامی محاسبات و نیازسنجی‌های فضایی در شهر بر پایه فرمول پایه‌ای «سرانه کاربری × اندازه جمعیت» استوار است. بدون شناخت دقیق از ابعاد کمی جمعیت (تعداد، نرخ رشد، تراکم) و ابعاد کیفی آن (ساختار سنی، بعد خانوار، ترکیب جنسیتی)، محاسبه میزان زمین مورد نیاز برای مسکن، آموزش، بهداشت، فضای سبز و معابر عملاً غیرممکن است. به عبارت دیگر، این نیازهای فیزیولوژیک، اجتماعی و فرهنگی «جمعیت» است که تقاضا برای مصرف زمین را ایجاد کرده و لزوم برنامه‌ریزی برای تخصیص بهینه را توجیه می‌نماید.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۲ (فضا): فضا (کالبد و بستر طبیعی) ظرف و عرصه وقوع فعالیت‌هاست. فضا به‌خودی‌خود منفعل است و تا زمانی که جمعیت انسانی در آن استقرار نیابد و نیازی به سازماندهی آن احساس نشود، برنامه‌ریزی کاربری زمین موضوعیت پیدا نمی‌کند.



- **گزینه ۳ (اقتصاد):** اگرچه اقتصاد شهری و رانت زمین (Land Rent) نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری و پویایی کاربری‌ها (مکان‌یابی فعالیت‌های تجاری و صنعتی) دارند، اما اقتصاد خود زائیده تعاملات انسانی است. انسان‌ها به‌عنوان نیروی کار و مصرف‌کننده، چرخ اقتصاد را به حرکت درمی‌آورند؛ بنابراین اقتصاد متغیری ثانویه و متأثر از ویژگی‌های جمعیتی است.
- **گزینه ۴ (نوع کاربری زمین):** نوع کاربری (مسکونی، تجاری، درمانی و...) در واقع «خروجی» و «محصول نهایی» فرآیند برنامه‌ریزی است، نه مؤلفه پایه‌ای و تعیین‌کننده آن. انواع کاربری‌ها بر اساس نیازسنجی‌های جمعیتی تعریف و تدقیق می‌شوند.

نکات تکمیلی:

در رویکردهای نوین برنامه‌ریزی کاربری اراضی، صرفاً تعداد جمعیت ملاک نیست، بلکه «ساختار و هرم جمعیتی» نقشی حیاتی ایفا می‌کند. برای مثال، در جوامعی که با پدیده سالمندی روبه‌رو هستند، سرانه کاربری‌های درمانی و فضاهای سبز دسترس‌پذیر اولویت می‌یابد؛ درحالی‌که در یک جمعیت جوان، نیاز به کاربری‌های آموزشی، ورزشی و مسکن انبوه به‌شدت احساس می‌شود. این پویایی جمعیتی است که ضرورت انعطاف‌پذیری در طرح‌های کاربری اراضی (مانند طرح‌های ساختاری-راهبردی) را ایجاب می‌کند.

گزینه ۴) ۲۲.

موضوع سوال: موضوع این پرسش، بررسی ریشه‌های تاریخی «جدایی‌گزینی فضایی-اجتماعی» (Spatial Segregation) در شهرها و پدیده محله‌گرایی اجباری است. هدف طراح، سنجش آگاهی داوطلب از خاستگاه و سیر تطور مفهوم «گتو» (Ghetto) در ادبیات جغرافیای شهری و جامعه‌شناسی شهری است.

پاسخ تشریحی:

مفهوم «گتو» در تاریخ شهرنشینی، در اصل به محلات محصور و مجزایی اطلاق می‌شد که اقلیت‌های اقامتی به‌صورت اجباری و سیستماتیک در آن زندگی می‌کردند. از منظر تاریخی، شکل‌گیری نخستین و قدیمی‌ترین گتوها ریشه در عوامل مذهبی داشته است.

واژه «گتو» برای نخستین بار در سال ۱۵۱۶ میلادی در شهر ونیز ایتالیا (برای محله‌ای به نام Ghetto Nuovo) به کار رفت؛ این منطقه محدوده‌ای بود که یهودیان بر اساس قوانین مذهبی و فشارهای نهادهای مسیحی و حکومت محلی، مجبور به سکونت در آن بودند. پیش از آن نیز در دوران قرون وسطی، اقلیت‌های مذهبی در بسیاری از شهرهای اروپایی نظیر فرانکفورت و پراگ با محدودیت‌های شدید کالبدی مواجه بوده و در محله‌های بسته مذهبی محصور می‌شدند. بنابراین، خاستگاه اولیه و نهادهای این فرم کالبدی در شهرها، نه رنگ پوست یا وضعیت اقتصادی، بلکه تفاوت‌ها و تعصبات مذهبی بوده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- **گزینه ۱ (نژادی):** گتوهای نژادی پدیده‌ای نسبتاً متأخرتر در تاریخ شهرنشینی هستند. معروف‌ترین نمونه‌های گتوهای نژادی مربوط به محلات سیاه‌پوستان در شهرهای ایالات متحده آمریکا در اواخر قرن نوزدهم و طول قرن بیستم (مانند هارلم در نیویورک یا محلات جنوب شیکاگو) و همچنین سیاست‌های آپارتاید در آفریقای جنوبی است.
- **گزینه ۲ (فقر):** محلات فقیرنشین (Slums یا زاغه‌ها) همیشه در تاریخ وجود داشته‌اند، اما هر محله فقیری یک «گتو» محسوب نمی‌شود. گتو لزوماً بر پایه فقر شکل نمی‌گیرد، بلکه بر پایه اجبار و طرد اجتماعی استوار است. در واقع، بسیاری از ساکنان گتوهای اولیه مذهبی در اروپا، تاجر و افراد ثروتمندی بودند که صرفاً به دلیل مذهبشان اجازه سکونت در سایر نقاط شهر را نداشتند.
- **گزینه ۳ (زبانی):** تمایزات زبانی معمولاً منجر به شکل‌گیری «کلونی‌ها» یا محلات قومی به‌صورت داوطلبانه (برای حفظ همبستگی فرهنگی و زبانی) می‌شود و عامل اولیه، سیستماتیک و اجباری برای حبس فضایی انسان‌ها در تاریخ محسوب نمی‌شود.

نکات تکمیلی:

امروزه در ادبیات جغرافیای شهری مکتب شیکاگو (به‌ویژه در آثار جامعه‌شناسانی چون لوئیس ویرث)، میان مفهوم «گتو» (Ghetto) و «درون‌بوم یا محله قومی» (Enclave) تفکیک قائل می‌شوند. گتو محصول جدایی‌گزینی اجباری (Forced Segregation) است که توسط جامعه میزبان تحمیل می‌گردد؛ درحالی‌که انکلاو، محصول تجمع داوطلبانه (Voluntary Clustering) خود اقلیت‌ها برای حمایت متقابل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. درک این تفاوت، پایه‌ای‌ترین اصل در سیاست‌گذاری‌های بازآفرینی شهری و برنامه‌ریزی برای ادغام اجتماعی (Social Inclusion) است.



۲۳. گزینه ۱)

موضوع سوال: موضوع اصلی این پرسش، بررسی ترمینولوژی (واژه‌شناسی) و سلسله‌مراتب فضایی-کالبدی شهرها در جغرافیای تاریخی و مکتب شهرسازی اسلامی است. هدف، تطبیق مفاهیم تاریخی جغرافیای ناحیه‌ای در تمدن اسلامی با معادل‌های مفهومی آن‌ها در ادبیات نوین جغرافیای شهری است.

پاسخ تشریحی:

در دوران شکوفایی تمدن اسلامی و بر اساس متون کلاسیک جغرافی‌دانان مسلمانی چون مقدسی (در کتاب *احسن‌التقاسیم فی معرفه‌الاقالیم*)، قلمرو جغرافیایی و زیست‌گاه‌های انسانی دارای یک سلسله‌مراتب دقیق فضایی بود. بالاترین سطح در این سلسله‌مراتب، کانون‌های بزرگ جمعیتی، سیاسی و اقتصادی بودند که به آن‌ها «مصر» (و در حالت جمع «أمصار») گفته می‌شد. واژه «مصر» در ابتدا به شهرهای پادگانی (اردوگاه‌های نظامی فاتحان مسلمان نظیر کوفه، بصره و فسطاط) اطلاق می‌گردید که به سرعت به کانون‌های عظیم تبادل فرهنگی و تجاری تبدیل شدند. در جغرافیای شهری امروز، جایگاه و نقش «مصر» دقیقاً معادل «متروپلیس» (Metropolis) یا **مادرشهر** است؛ یعنی کلان‌شهری که حوزه نفوذ آن یک منطقه وسیع را در بر می‌گیرد و مرکزیت اقتصادی و سیاسی دارد. در زبان عربی نیز واژه «ام‌القری» (به معنای مادر قریه‌ها یا مادر شهرها) مفهومی کاملاً هم‌ارز با متروپلیس و مادرشهر دارد. بنابراین، هر سه واژه مندرج در گزینه صحیح، تجلی یک مفهوم واحد در ادبیات‌های گوناگون هستند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- **گزینه ۲ (ولایت - کوره - ام‌القری):** واژگان «ولایت» و «کوره» معادل شهر نیستند، بلکه واحدهای تقسیمات کشوری و محدوده‌های سرزمینی (ناحیه/استان) محسوب می‌شوند. «کوره» واژه‌ای با ریشه یونانی (Chora) و پهلوی (Xwarrah) است که در دوران اسلامی به مناطق رستاق‌ها و ولایات اطلاق می‌شد.
- **گزینه ۳ (امصار - ولایت - شارستان):** همان‌طور که بیان شد، ولایت یک پهنه سرزمینی است. «شارستان» نیز در ساختار کالبدی شهرهای ایرانی-اسلامی، بخش درونی و اصلی شهر (محل سکونت طبقات متوسط و اصناف) در میان کهندژ و ریح است و معادل مادرشهر نیست.
- **گزینه ۴ (متروپلیس - قصبه - ولایت):** «قصبه» در سلسله‌مراتب جغرافی‌دانان مسلمان، یک پله پایین‌تر از «مصر» قرار دارد و عموماً به مرکز یک ناحیه یا ولایت (شهرک/شهر میانی) اطلاق می‌شد؛ در نتیجه قصبه هم‌تراز با متروپلیس یا مصر نیست.

نکات تکمیلی:

شناخت نظام طبقه‌بندی سکونتگاه‌ها در آثار اندیشمندان مسلمان، نشان‌دهنده یک رویکرد سیستماتیک و عملکردی به فضا، بسیار پیش‌تر از شکل‌گیری مکاتب غربی نظیر نظریه «مکان مرکزی» کریستالر است. مقدسی در قرن چهارم هجری، سلسله‌مراتب سکونتگاهی را از خرد به کلان به صورت: قریه (روستا) ← ناحیه ← قصبه (شهر مرکزی) ← مادرشهر ترسیم نمود. تطبیق این سلسله‌مراتب با نظام‌های برنامه‌ریزی شهری نوین، پایه‌ای محکم برای نظریه‌پردازی بومی در حوزه جغرافیای شهری و آمایش سرزمین فراهم می‌آورد.

۲۴. گزینه ۱)

موضوع سوال: موضوع این پرسش، بررسی نظریه بوم‌شناختی «مراحل تکامل و زوال شهری» است که نخستین بار توسط پاتریک گدس (Patrick Geddes)، زیست‌شناس و پیشگام برنامه‌ریزی شهری، مطرح شد و بعدها توسط شاگرد نامدارش، لوئیز مامفورد (Lewis Mumford)، در کتاب مشهور فرهنگ و شهرها بسط و گسترش یافت. هدف، ارزیابی درک داوطلب از چرخه حیات شهرها (از پیدایش تا فروپاشی) و ویژگی‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی هر مرحله است.

پاسخ تشریحی:

در نظریه تکامل شهری گدس و مامفورد، حیات یک سکونتگاه انسانی در شش مرحله پیاپی (همانند چرخه حیات یک موجود زنده) توصیف می‌شود. این مراحل از روستا-شهر (Eopolis) آغاز شده و در نهایت به مرگ شهر ختم می‌گردد. مرحله چهارم این چرخه، **کلان‌شهر** (Megalopolis) نام دارد. در این مرحله، شهر از حد تعادل و شکوفایی خود خارج شده و رشد سرطانی پیدا می‌کند. ویژگی بارز این مرحله، تسلط مطلق شهر بر ناحیه پیرامونی و پیشی گرفتن از سایر شهرها است. با ورود به این فاز، سرمایه‌داری انحصاری و بوروکراسی سنگین بر شهر حاکم می‌شود. تمرکز بیش‌ازحد ثروت در دست عده‌ای معدود، باعث



بروز شکاف‌های عمیق و «تضاد جامعه شهری و برخوردهای طبقاتی» می‌گردد. این مرحله سرآغاز زوال فرهنگی و اخلاقی جامعه شهری محسوب می‌شود که دقیقاً با توصیفات صورت‌سؤال انطباق دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- **گزینه ۳ (مادر شهری):** مرحله مادرشهر (Metropolis) پیش از کلان‌شهر قرار دارد. در این مرحله (مرحله سوم)، شهر در اوج شکوفایی فرهنگی، تعادل اقتصادی و پویایی است و هنوز دچار تضادهای ویرانگر طبقاتی و رشد سرطانی نشده است.
- **گزینه ۲ (تباه شهری):** تباه‌شهر یا تیرانوپولیس (Tyrannopolis) مرحله پنجم است. در این فاز، تضادهای طبقاتی مرحله قبل به اوج رسیده و منجر به بروز هرج و مرج، جنایت، استبداد، غارت و اقتصاد انگلی (Parasitic) می‌شود. در اینجا دیگر بحث پیشی گرفتن در ناحیه مطرح نیست، بلکه شهر به یک زالوی اقتصادی تبدیل شده است.
- **گزینه ۴ (مرده شهری):** مرده‌شهر یا نکروپولیس (Necropolis) مرحله ششم و پایانی است. در این فاز، در اثر جنگ‌ها، قحطی‌ها و فروپاشی کامل سیستم‌های حیاتی، شهر متروکه شده و تنها به تلی از خاکستر و ویرانه (گورستان شهری) تبدیل می‌گردد (مانند بابل باستان).

نکات تکمیلی:

استفاده‌گدس از واژه مگالاپولیس با کاربرد امروزی آن که توسط ژان گاتمن (Jean Gottmann) برای توصیف زنجیره‌ای از کلان‌شهرها (مانند محور بوستون-واشنگتن) به کار رفت، تفاوت ظریفی دارد. گاتمن مگالاپولیس را یک ساختار فضایی پیوسته و لزوماً نه در حال زوال توصیف می‌کند، درحالی‌که گدس و مامفورد نگاهی به‌شدت بدبینانه، ارگانیک و جبرگرایانه به این مرحله داشته و آن را سرآغاز فروپاشی تمدن شهری می‌دانند. شناخت این تفاوت دیدگاه در مکاتب جغرافیایی، برای تحلیل‌های انتقادی شهرنشینی معاصر بسیار راهگشا است.

۲۵. **گزینه ۳)**

موضوع سوال: موضوع محوری این سؤال، شناخت اصول مکتب «شهرسازی ترقی‌گرا» (Modernist Urban Planning) و بررسی تأثیرات ظهور و سلطه اتومبیل بر کالبد و ساختار شهرهای قرن بیستم است. طراح سؤال در پی سنجش میزان آگاهی داوطلب از ایده‌های ساختارشنکانه‌ای است که برای مدیریت ترافیک و احیای فضاهای زیستی در دوران اوج صنعتی‌شدن ارائه گردید.

پاسخ تشریحی:

دکترین «جداسازی مطلق و کارکردی وسایل نقلیه از پیاده‌روها»، شالوده و امضای فکری **لوکوربوزیه** (Le Corbusier)، معمار و شهرساز برجسته سوئیسی-فرانسوی و نظریه‌پرداز ارشد کنگره بین‌المللی معماری مدرن (CIAM) است. لوکوربوزیه در طرح‌های آرمانی و بلندپروازانه خود نظیر «شهر درخشان» (Ville Radieuse) و «شهر معاصر برای سه میلیون نفر»، شهر را به مثابه یک ماشین عظیم و کارآمد می‌پنداشت. وی با تدوین سلسله‌مراتب پیچیده راه‌ها (شبکه ۷V)، ترافیک موتوری و سریع‌السير را به شریان‌های اصلی و بزرگراه‌های مرتفع منتقل کرد. در مقابل، وی شبکه مسیرهای پیاده‌رو را در میان فضاهای سبز وسیع و در زیر ساختمان‌هایی که بر روی ستون‌های آزاد (Pilotis) قرار داشتند، مستقر نمود تا انسان و ماشین هیچ‌گونه برخورد و تداخلی با یکدیگر نداشته باشند. این دیدگاه بعدها در قالب «منشور آتن» (۱۹۳۳) به‌عنوان یکی از چهار کارکرد اساسی شهر (سکونت، کار، تفریح و عبور و مرور) تثبیت شد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- **گزینه ۱ (هوسمان):** بارون ژرژ اوژن هوسمان، مجری طرح بازسازی عظیم پاریس در اواسط قرن نوزدهم بود. طرح‌های او بر پایه احداث بلوارهای عریض، خیابان‌کشی‌های هندسی و میدان‌های ستاره‌ای برای نمایش قدرت امپراتوری و تسهیل حرکت نیروهای نظامی و کالسکه‌ها استوار بود. در بلوارهای هوسمانی، مسیر پیاده و سواره در قالب یک فضای واحد (خیابان‌های دارای پیاده‌روهای پهن) ترکیب شده‌اند و خبری از جداسازی کارکردی و کالبدی نیست.
- **گزینه ۲ (هاوارد):** ابنیزر هاوارد واضع نظریه «باغ‌شهر» (Garden City) است. دغدغه بنیادین او، تلفیق مزایای اقتصادی شهر با مواهب طبیعی روستا و جلوگیری از تراکم لجام‌گسیخته جمعیتی کلان‌شهرها (مانند لندن) بود. مدل او دایره‌ای و مبتنی بر همزیستی با طبیعت است، نه حل تخصصی معضل ترافیک موتوری از طریق تفکیک طبقاتی مسیرها.